

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۵

هزار و سیصد و نود و سه - نیمسال اول

۵	● آموزش حقوق بشر برای تفریح خشونت رما لاسی - عباس بهروزی‌کوله
۲۹	● چالش‌های سازمان جهانی تجارت در حاکمیت جهانی بر حوزه نفت محمد آقایی
۶۱	● مهندسی ساوول‌های نطقه‌ای انسان در مثلث حق سلامت، حق توسعه و هویت مشترک فاطمه طرف
۸۵	● دولت یرتاب‌کننده اشیای فضای و تأثیر پروژه «سی لانچ» بر تحول مفهوم آن حسین کلونتی - سیدمادی محمودی
۱۱۲	● رجوع سازمان تأمین اجتماعی به کارفرمای مقصر در ورود خسارت به کارگر بیمه‌شده محمد سابر - سرین طباطبایی حساری
۱۳۲	● مسؤلیت حقوقی دولت در بلایای طبیعی زهرا رحمتی
۱۸۵	● کتواتسیون منح شکسته: هشتم‌اندازی فرا راه جبران خسارت قربانیان نقض‌های فراسرزمینی نیلوفر نظریاتی
۱۹۹	● شرط ماهوی گام ابتکاری در آینده قوانین و مقررات (الگوی برای قانونگذاری ایران) حامد نجفی - مهسا مدتی
۲۱۲	● جایگاه ایران در مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (پوتیدروا) و نگاهی به آینده کوروش چمفری





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32631.html

کنوانسیون منع شکنجه: چشم‌اندازی فرا راه جبران خسارت قربانیان نقض‌های فراسرزمینی

نیلوفر نظریانی*

چکیده:

بی‌گمان حاکمیت‌ها نسبت به اعمالی که در مقام حاکمیتی، مانند شکنجه، انجام می‌دهند، بسیار حساس هستند. چنین حساسیتی در قالب قواعد مصونیت تسکین یافته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰۱۲ در قضیه مصونیت صلاحیتی (آلمان علیه ایتالیا) مصونیت مطلق قضایی دولت را پذیرفت. بنابراین قربانیان نقض‌های قواعد حقوق بشر، از جمله قاعده امره ممنوعیت شکنجه طبق رأی دیوان نمی‌توانند در دادگاه‌های دولت‌های دیگر اقامه دعوا کنند. با این اوصاف، آیا قربانی شکنجه می‌تواند بدون مواجه شدن با سد مصونیت دولت، به اقامه دعوی مدنی در دادگاه‌های دیگر دولت‌ها اقدام کند؟ این پژوهش تلاشی است تا نشان دهد که آخر این کارزار، مصونیت مطلق قضایی دولت نخواهد بود. با این استدلال که چند ماه پس از صدور رأی دیوان، کمیته منع شکنجه در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۲، اقدام به صدور تفسیر عمومی شماره ۳ در مورد ماده ۱۴ کنوانسیون نمود، تفسیری که در آن کمیته از دولت‌ها می‌خواهد تا به جبران خسارت همه قربانیان شکنجه بدون وجود ارتباط سرزمینی یا تابعیتی اقدام کنند. هر چند تا کنون دولت‌ها در رویه تمایلی به اعمال صلاحیت مدنی جهانی در مورد ماده ۱۴ نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها:

کنوانسیون منع شکنجه، مصونیت دولت، کمیته منع شکنجه، تفسیر عمومی، صلاحیت کیفری جهانی، صلاحیت مدنی جهانی، اعلامیه تفسیری، گزارش دوره‌ای.

مقدمه

از زمان به وجود آمدن حاکمیت بر این کره خاکی، شکنجه یکی از مرسوم‌ترین اعمال حکمرانان برای به انقیاد در آوردن انسان‌های تحت حاکمیت خود بوده است. پس از گذشت هزاران سال از این روند، با برپایی نهضت حقوق بشر و تغییر نگرش اجتماع بین‌المللی نسبت به حاکمیت، امروزه ممنوعیت شکنجه به مرتبه والای قواعد آمره در حقوق بین‌الملل نایل گردیده است.

محکومیت جهانی شکنجه از سوی اجتماع بین‌المللی در شمار زیادی از اسناد بین‌المللی و داخلی همچون، ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قوانین اساسی دولت‌ها به صراحت بیان گردیده است. یکی از مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی (۱۹۸۴)^۱ است. یکی از اهداف اساسی کنوانسیون منع شکنجه این است که شکنجه‌گران هیچ پناهگاه امنی برای فرار از تعقیب و مجازات نداشته باشند. یکی از مؤثرترین راه‌ها برای عملی کردن این مهم، اعطای صلاحیت جهانی به دولت‌های عضو برای مجازات مرتکبان است. از این صلاحیت همانند اغلب کنوانسیون‌ها با عنوان تعهد به «یا محاکمه یا استرداد» نام برده شده است.

صلاحیت جهانی، یکی از اصول اعمال صلاحیت دادگاه‌های داخلی دولت‌هاست که به آنها اجازه اعمال صلاحیت بدون وجود ارتباط سرزمینی یا تابعیتی یا حمایتی با پرونده را اعطا می‌کند. صلاحیت جهانی اغلب با صلاحیت کیفری جهانی برابر انگاشته می‌شود. مسأله این است که آیا در مورد جرم شکنجه که این پژوهش به‌طور خاص به آن می‌پردازد، صلاحیت جهانی در بُعد مدنی نیز قابل اعمال است؟ به عبارتی دیگر آیا دولت‌های عضو طبق کنوانسیون منع شکنجه به‌عنوان مهم‌ترین و جامع‌ترین سند در مورد این جرم، برای قربانیانی نیز که در خارج از دولت مقرر دادگاه در معرض شکنجه قرار گرفته‌اند، جبران خسارت فراهم نمود؟

ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه به‌عنوان فقط ماده‌ای که در مورد جبران خسارت است، همواره در طول سالیان اجرای این کنوانسیون مورد ابهام بوده است که آیا هر یک از دولت‌های عضو می‌توانند به اعمال صلاحیت در مورد دعاوی مدنی با ادعای شکنجه‌های ارتکاب یافته در فراسوی مرزهایشان بپردازند یا نه؟

تاکنون تعدادی پرونده در مورد اعمال ماده ۱۴ این کنوانسیون در دادگاه‌های انگلستان، کانادا، دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح گردیده است که در ادامه به آنها با گفتارهای ذیل پرداخته می‌گردد:

1. Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment 1984, United Nations.

گفتار اول - ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه: صلاحیت دولت‌ها برای جبران خسارت؛
گفتار دوم - رویه قضایی و قانونگذاری دولت‌های عضو کنوانسیون؛
گفتار سوم - موضع کمیته منع شکنجه.

گفتار یکم - ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه:

صلاحیت دولت‌ها برای جبران خسارت

دولت‌های عضو کنوانسیون موظف هستند که شکنجه را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری کنند (ماده ۴). در مورد احراز صلاحیت قضایی نیز بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد:
۱. هر کشور عضو تدابیر لازم را برای احراز صلاحیت قضایی خود در مورد جرایم موضوع ماده ۴ در موارد زیر اتخاذ خواهد کرد:

الف - در صورتی که جرایم مزبور در هر نقطه از قلمرو تحت صلاحیت آن یا در کشتی یا هواپیمای ثبت شده نزد آن دولت ارتکاب یافته باشد؛

ب - در صورتی که متهم تبعه آن دولت باشد؛

ج - چنانچه قربانی دارای تابعیت آن کشور باشد، مشروط بر اینکه آن دولت مقتضی بداند. همچنین هر کشور عضو تدابیر لازم را برای احراز صلاحیت خود نسبت به این‌گونه جرایم در مواردی که متهم در قلمرو قضایی وی حضور دارد؛ ولی آن کشور مطابق ماده ۸ وی را به هیچ‌یک از کشورهای مذکور در بند ۱ این ماده مسترد نمی‌کند، اتخاذ خواهد نمود.
هر چند این ماده صلاحیت کیفری جهانی را به‌طور مستقیم مقرر نکرده است، اما تعهد به «یا محاکمه یا استرداد»^۱ که در ماده ۷ مقرر شده است، دولت را به محاکمه هنگامی که استرداد را رد می‌کند موظف می‌دارد. بند ۱ ماده ۷ مقرر می‌دارد:

«دولت عضوی که در قلمرو قضایی آن شخص متهم به ارتکاب یکی از جرایم مذکور در ماده ۴ یافت شده است، در صورت عدم استرداد وی، در موارد پیش‌بینی شده در ماده ۵ پرونده را جهت تعقیب به مقامات صلاحیت‌دار متبوعه تسلیم می‌دارد.»

این مفهوم قابل برداشت است که هنگامی که مبنای صلاحیتی دیگری وجود نداشته باشد، محاکمه با استناد به صلاحیت جهانی صورت می‌گیرد. بدین شکل کنوانسیون، صلاحیت جهانی را برای شکنجه به‌طور غیرمستقیم، با شرط وجود متهم در سرزمین دولت مقرر دادگاه، مقرر می‌دارد.^۲

1. Autdedereautprosequi.

2. Kate Parlett, "universal civil jurisdiction for torture", European Human Rights Law Review, vol. 4, 2007, p. 5. Available at: www.westlaw.org, and Jane Wright, "Retribution but no recompense: a critique of the torturer's immunity from civil suit", Oxford Journal of International Law, vol. 30, No. 1, 2011 p 10.

این کنوانسیون مبانی صلاحیت کیفری را مشخص کرده است، ولی هیچ مقرره معادلی برای اعمال صلاحیت مدنی ندارد. در این میان ماده ۱۴ در مورد جبران‌های مدنی چنین مقرر می‌دارد:

«۱. هر دولت عضو در چارچوب قوانین خود مراقبت به عمل خواهد آورد تا لطمه وارده به قربانی شکنجه جبران گردد و وی از حق قابل اجرا برای دریافت خسارت کافی و منصفانه، از جمله امکانات اعاده کامل به وضع سابق برخوردار شود. در صورت مرگ قربانی در نتیجه شکنجه، افراد تحت تکفل او مستحق دریافت خسارت خواهند بود.

۲. مفاد این ماده به هیچ وجه به حق جبران خسارت موجود در قوانین داخلی برای قربانی یا دیگر اشخاص خدشه‌ای وارد نمی‌کند.»

حقوقدانان دو تفسیر از این ماده ارائه داده‌اند. اول اینکه بند ۱ ماده ۱۴ تعهد به جبران خسارت در مورد شکنجه‌ای را که «در هر جا و توسط هر کس» ارتکاب یافته است، مقرر می‌کند. بنابراین اعمال صلاحیت مدنی جهانی در جایی که هیچ ارتباطی با دولت مقرر دادگاه وجود ندارد، همچون ماده ۵ در مورد صلاحیت کیفری را مقرر می‌دارد. تفسیر دوم این است که شرط استثنا در بند ۲ ماده ۱۴، صلاحیت مدنی جهانی را هم در مورد تفسیر خود وهم به عنوان پشتیبانی برای اعمال قاعده عرفی که استثنا را مقرر کرده، در نظر دارد و به کار برده است.^۱

تاریخچه بسیار اندکی از پیش‌نویس کنوانسیون برای حل این موضوع که ماده ۱۴ اجرای فرا سرزمینی را اجازه می‌دهد یا نه وجود دارد. پیش‌نویس اولیه کنوانسیون که توسط سوئد به کمیسیون حقوق بشر تقدیم گردید، هیچ‌گونه محدودیت سرزمینی صریحی ذکر نشده بود و این مسأله در جلسه کار گروه در سال ۱۹۸۰ مورد بحث قرار نگرفت. در جلسه ۱۹۸۱ پیشنهاد هلند مبنی بر گنجانیدن عبارت «ارتکاب یافته در هر جای سرزمین تحت صلاحیتش» بعد از کلمه «شکنجه»، مورد تصویب قرار گرفت؛ اما در سال ۱۹۸۲، زمان تصویب کنوانسیون، این عبارت از متن معاهده حذف گردید. از کارهای مقدماتی و نظریات تفسیری نیز هیچ بینشی در مورد علت حذف این عبارت نمی‌توان یافت. حذف عبارت در غیاب هرگونه مذاکره نشان می‌دهد که یا سهواً حذف گردیده است و یا این محدودیت آن قدر واضح بوده که لزومی به بیان صریح آن نبوده است.^۲

Available at: www.westlaw.org.and, Jones v. Saudi Arabia, UKHL 26, 2006, para. 16.

1. Kate Parlett, Op. Cit, p. 7.

2. Ibid, 7.

گفتار دوم - رویه قضایی و قانونگذاری دولت‌های عضو کنوانسیون

همان‌گونه که در گفتار قبل بیان گردید ماده‌ای که به صراحت صلاحیت مدنی برای شکنجه ارتکاب یافته در خارج از کشور مقرر دادگاه را معین کند در کنوانسیون وجود ندارد. اقدامات مقدماتی تصویب ماده ۱۴ نیز نتوانست به رفع این ابهام کمک کند. طبق کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات، کارهای مقدماتی معاهده، از جمله پیش‌نویس و طرح‌های اولیه معاهده، جزء وسایل مکمل تفسیر هستند و در اصل باید به شیوه‌های دیگر تفسیر متوسل گردید. یکی از مهم‌ترین این شیوه‌ها بررسی رویه مؤخر دولت‌ها در اجرای کنوانسیون است.^۱ بنابراین در ادامه به بررسی موضع دولت‌های عضو کنوانسیون در مورد ماده ۱۴ می‌پردازیم.

آیا دولت‌ها به اجرای فراسرزمینی ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه اعتقاد دارند یا نه؟ در این مورد لازم است که به رویه داخلی دولت‌ها در این رابطه مراجعه کرد. در اینجا به آرای می‌پردازیم که از دادگاه‌های انگلستان و کانادا، دیوان اروپایی حقوق بشر صادر شده است. در این قسمت با توجه به اینکه مجلس اعیان در قضیه جونز به آرای قبل از خود مراجعه می‌کند تا حدی گام‌به‌گام با لردها هماهنگ می‌شویم و سپس به آرای خواهیم پرداخت که پس از این رأی نیز صادر شده‌اند.

قضیه جونز علیه عربستان سعودی و چند تن از مقامات این دولت که در انگلستان مطرح گردید، یکی از آرای مهمی است که به بررسی تفسیر ماده ۱۴ کنوانسیون پرداخته است. در ژوئن ۲۰۰۲ جونز، دعوایی را در انگلستان علیه دو تن از مقامات عربستان سعودی مطرح کرد: وزیر کشور پادشاهی عربستان سعودی - مقامی که مجلس اعیان آن را برابر با دولت پادشاهی عربستان سعودی می‌داند - و سرهنگ دوم عبدالعزیز، به‌عنوان کارگزار و عامل دولت عربستان سعودی. جونز خواستار دریافت خسارت شدید و خسارت تنبیهی با ادعایی از جمله شکنجه در عربستان سعودی بین مارس و می ۲۰۰۱ گردید. این پرونده پس از صدور آرای گوناگون از دادگاه‌های تالی، برای تجدیدنظر به مجلس اعیان به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی انگلستان آورده شد.

یکی از استدلال‌های شاکیان در مورد عدم مصونیت مقامات دولتی عربستان در ارتکاب شکنجه برای پرداخت غرامت به شاکیان، قضیه پینوشه بود؛ اما این استدلال مورد پذیرش مجلس اعیان قرار نگرفت. مجلس اعیان اظهار داشت که این قضیه از پرونده پینوشه متمایز است، زیرا آن پرونده در مورد رسیدگی کیفری بود که در چارچوب صلاحیت کیفری جهانی،

1. Vienna Convention on the Law of Treaties on 23 May 1969, Entered into force on 27 January 1980, United Nations, Treaty Series, vol. 1155, p. 331, articles 31, 32.

که در کنوانسیون منع شکنجه مقرر شده است، قرار دارد؛ در صورتی که در همان قضیه صراحتاً لردها بیان داشتند که مصونیت در رسیدگی‌های مدنی اعطا می‌گردد.^۱ مجلس اعیان، با استناد به قرائت متن و نظریه ایالات متحده در زمان تصویب کنوانسیون و رویکرد کانادا در قضیه بوذری^۲ و نیز فقدان عبارات مشابهی که کنوانسیون صلاحیت کیفری جهانی را مقرر می‌کند، بیان داشت که ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه، صلاحیت مدنی جهانی را مقرر نمی‌کند.^۳

بنابراین، مجلس اعیان در توجیه عدم صلاحیت مدنی جهانی در کنوانسیون منع شکنجه، سه دسته استدلال ذکر می‌کند. اول به تاریخچه و فرایند مذاکراتی تصویب کنوانسیون؛ دوم، به اعلامیه تفسیری ایالات متحده در زمان تصویب کنوانسیون و نیز به رویه قانونگذاری و قضایی استناد می‌کند. در ادامه به بررسی این استدلال‌ها می‌پردازیم.

لردها اظهار داشتند که در مرحله اول از فرایند مذاکراتی، پیش‌نویس کنوانسیون، مشتمل بر کلماتی بوده است که به صورت ابهام‌آمیزی ناپدید شده‌اند و این نشانگر فقدان صلاحیت مدنی جهانی در کنوانسیون است و قرائت واقعی از متن ماده را مطابق با اعلامیه تفسیری ایالات متحده در زمان تصویب کنوانسیون می‌داند.^۴ اعلامیه تفسیری ایالات متحده به این ترتیب است:

«قرائت ایالات متحده این است که ماده ۱۴ دولت عضو را به فراهم کردن حق شخصی اقامه دعوا برای خساراتی که فقط برای اعمال شکنجه ارتكابی در سرزمین تحت صلاحیت آن دولت عضو است، ملزم می‌دارد.»^۵

مجلس اعیان در ادامه یادآور می‌شود که هیچ دولتی تاکنون نسبت به قرائت ایالات متحده اعتراضی نکرده است و دیدگاه‌های مشابهی در گزارش‌های نیوزیلند و آلمان اظهار گردیده است.^۶

عده‌ای بر این عقیده‌اند که مسأله مصونیت نمی‌تواند در غیاب صلاحیت مطرح گردد، در واقع اصطلاح مصونیت مختصر عبارت «مصونیت از صلاحیت دولت مقر دادگاه است.»^۷

1. Jones v. Saudi Arabia, Op. Cit., para. 17 & 19.

2. Bouzari v. Islamic Republic of Iran, [2004] OJ No. 2800 Docket, No. C38295, online at: <http://www.canlii.org/en/on/onca/doc/2004/2004canlii871/2004canlii871.html>.

3. Ibid, para. 25.

4. Ibid.

۱. برای مشاهده اعلامیه تفسیری ایالات متحده نک:

http://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtmsg_no=IV9-&chapter=4&lang=en#EndDec

6. Jones v. Saudi Arabia, Op.Cit., para. 57.

7. Jane Wright, Op. Cit. p.?

استدلال کلیدی شاکیان این بود که از آنجا که شکنجه توسط حقوق بین‌الملل محکوم گردیده است اعطای مصونیت به مقامات دولتی و یا خود دولت امکان‌پذیر نیست؛^۱ مجلس اعیان رأی خود را بر این امر مبتنی می‌کند که بین اقامه دعوا علیه مقام دولتی و خود دولت و به تبع بین مصونیت دولت و مقام دولتی تفاوتی وجود ندارد و قانون مصونیت انگلستان دعوا علیه مقام دولتی را نیز مشمول مصونیت دولت می‌داند.^۲ بنابراین در جاهای گوناگون از مصونیت دولت و نه مصونیت مقام دولتی نام می‌برد، در این راستا بیان می‌دارد که برای فهمیدن اینکه آیا در حقوق بین‌الملل شکنجه استثنایی بر مصونیت دولت است یا نه، باید کنوانسیون منع شکنجه و نیز قوانین داخلی دولت‌ها و آرای دادگاه‌ها و نیز نظرگاه حقوقدانان برجسته را مورد بررسی قرار داد.^۳

گفتنی است که استدلال شاکیان در قضیه جونز (این استدلال در قضیه بوذری توسط شاکیان آن پرونده نیز اظهار گردید) مبنی بر این امر که صلاحیت دادگاه‌های داخلی در مورد اعمالی که حقوق بین‌الملل آنها را ممنوع کرده است به وسیله مصونیت نمی‌تواند خدشه‌دار گردد؛ به‌طور کلی و بدون توجه به حوزه شکنجه نیز قابل خدشه است. در این راستا دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو اظهار داشت: صلاحیت متضمن عدم مصونیت نیست و عدم مصونیت نیز فی‌الذات بر صلاحیت ندارد و ویژگی عام‌الشمول بودن یک تعهد و رضایت به صلاحیت دو مقوله جدا هستند.^۴

در مورد کنوانسیون منع شکنجه نظر لردها مورد بررسی قرار گرفت. بدین صورت که با ارائه تفسیر عدم صلاحیت جهانی در بُعد مدنی در این کنوانسیون، به صورت ضمنی قائل به مصونیت مدنی دولت یا مقام دولتی برای ارتکاب به شکنجه است. در ادامه به بررسی استدلالات مجلس اعیان در مورد قوانین و رویه داخلی دولت‌ها می‌پردازیم.

در مورد قوانین داخلی دولت‌ها در خصوص مصونیت، در ابتدا به قانون مصونیت دولت ۱۹۷۸ انگلستان^۵ اشاره می‌کند که مصونیت دولت را به‌عنوان اصل بیان داشته و استثنای عدم مصونیت دولت را معین کرده است و این رویکرد قانون مصونیت انگلستان را مطابق با رویه قانونگذاری دولت‌ها در خصوص مصونیت می‌داند.^۶ لردها اظهار داشتند نه در قانون مصونیت انگلستان و نه در قانون هیچ کشور دیگری چنین استثنایی بر مصونیت دولت

1. Ibid, Para. 17.

5. Ibid, Para.13.

3. Ibid, para. 46.

4. Armed activities on the territory of the Congo case (new application: 2002), Democratic Republic of Congo v. Rwanda, ICJ Reports. Para.60.

5. State Immunity Act, 1978, Chapter 33.

6. Jones v. Saudi Arabia, Op.Cit., Para.9.

وارد نشده است و به عبارتی، شکنجه مشمول استثنای دولت نیست که در قوانین داخلی مصونیت مقرر گردیده است. لردها اقدام ایالات متحده در تصویب قانون حمایت از قربانی منع شکنجه را توسعه یک‌جانبه صلاحیت به‌وسیله ایالات متحده می‌داند^۱ که نمونه دیگری در قوانین داخلی دیگر دولت‌ها برای آن وجود ندارد و به این دلیل آن را به‌عنوان رویه قابل استناد نمی‌داند.^۲

مجلس اعیان از رأی الادسانی علیه دولت انگلستان در دیوان اروپایی حقوق بشر یاد می‌کند. در این رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه یادآور شد که در غیاب ارتباط سرزمینی یا پیوند نسبی با انگلستان، این دولت هیچ تعهدی برای فراهم کردن جبران خسارت مدنی ندارد.^۳

مجلس اعیان همچنین به رأی بوذری علیه جمهوری اسلامی ایران^۴ به‌عنوان شاهدهی بر وجود مصونیت دولت در موارد ارتکاب به شکنجه اشاره می‌کند. هوشنگ بوذری در سال ۲۰۰۰ دعوایی مدنی را در دادگاه پژوهش اوتاریو کانادا علیه دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد. با ادعای اینکه از ژوئن سال ۱۹۹۳ تا ژانویه سال ۱۹۹۴ مورد آدم‌ربایی و حبس و شکنجه توسط عاملان جمهوری اسلامی ایران، قرار گرفته است.^۵ بوذری با ادعای جبران خسارت برای آدم‌ربایی، بازداشت غیرقانونی، تجاوز، شکنجه و تهدید به مرگ به اقامه دعوا پرداخت؛ خانواده او نیز طبق قانون حقوق خانواده تقاضای مشابهی دادند.^۶

شاکیان در قضیه بوذری استدلال کردند که مکان شکنجه هیچ محدودیتی را بر صلاحیت مدنی کشورها طبق ماده ۱۴ ایجاد نمی‌کند. قاضی بیان داشت که عدم بیان لفظی که بر محدودیت سرزمینی اشاره کند، به معنای فقدان محدودیت سرزمینی نیست و متن معاهده هیچ پاسخی به این قضیه نمی‌دهد؛^۷ اما دادگاه اوتاریو همانند مجلس اعیان یادآور می‌شود که هنگام تصویب کنوانسیون، ایالات متحده اعلامیه‌ای تفسیری در مورد ماده ۱۴ صادر نمود که صرفاً در زمانی که شکنجه در سرزمین دولت مقرر دادگاه رخ دهد، تعهد رسیدگی به دعوای مدنی برای دولت عضو وجود دارد و کشورهای دیگری نیز موافقت خود را با این تفسیر اعلام داشتند.^۸

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد قانون حمایت از قربانی منع شکنجه (۱۹۹۲) نک: نیلوفر نظریانی، «تعمیم اصل صلاحیت جهانی به دعوای مدنی در موارد نقض‌های فاحش حقوق بشر» (رساله کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۱).

2. Ibid, Para. 58.

3. Ibid, para.35, 40.

4. Bouzari v Islamic Republic of Iran, Op. Cit.

5. Ibid, para1.

6. Ibid, para. 18.

7. Ibid, para. 76

8. Ibid, para.78.

همان‌گونه که در قبل گفته شد، در مورد تحولاتی که در درج عبارتی که حاکی از محدودیت سرزمینی در ماده ۱۴ کنوانسیون بود، تفسیرهایی صورت گرفته است. شاکیان در این مورد استدلال کردند که قصد نویسندگان از حذف عبارت «ارتکاب یافته در سرزمین تحت صلاحیتش» به معنای استثنا کردن این مفهوم از ماده بوده است؛ اما دادگاه اظهار داشت که این حذف به دلیل مستتر بودن این محدودیت در این ماده بوده است.^۱

دادگاه اوتاریو با نظر قضات پرونده پینوشه موافقت کرد که رسیدگی‌های کیفری علیه مقامات دولتی، یک دولت را در معرض صلاحیت دولت دیگر قرار نمی‌دهد؛ ولی در رسیدگی‌های مدنی علیه دولت این‌گونه نیست.^۲

دولت کانادا پس از رأی بوذری در پرونده‌های دیگری نیز به تکرار موضع خود مبنی بر عدم اعمال صلاحیت مدنی در مورد شکنجه‌های ارتکاب یافته در خارج از دولت مقرر دادگاه پرداخت. دادگاه‌های کانادا در پرونده‌های کاظمی علیه جمهوری اسلامی ایران،^۳ آرار علیه سوریه^۴ به عدم امکان اعمال ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه در شکل صلاحیت مدنی جهانی رأی داد.

کمیته منع شکنجه به‌عنوان رکن ناظر بر کنوانسیون منع شکنجه در مکاتباتی پس از قضیه بوذری با دولت کانادا و نیز با سایر دولت‌های عضو کنوانسیون خواستار فراهم کردن امکان جبران خسارت برای همه قربانیان شکنجه گردید. در این گفتار به بررسی نظر کمیته منع شکنجه در خصوص ماده ۱۴ پرداخته می‌شود.

گفتار سوم - موضع کمیته منع شکنجه

دولت کانادا در گزارش دوره‌ای خود در سال ۲۰۰۵ به کمیته منع شکنجه (اولین گزارش پس از صدور رأی بوذری) بیان می‌دارد که تنها دولتی که امکان اقامه دعوا برای قربانی شکنجه را بدون محدودیت سرزمینی فراهم می‌کند، ایالات متحده است که به‌وسیله قانون شبه جرم بیگانه^۵ این صلاحیت را اعمال می‌کند وگرنه هیچ دولت دیگری مقرره‌ای مبنی بر اعمال صلاحیت نسبت به شکنجه‌های ارتکاب یافته در خارج از سرزمین تحت صلاحیت‌شان

1. Ibid, para. 80.

2. Ibid, para. 91.

3. Kazemi (Estate of) v. Islamic Republic of Iran, 2011, QCCS 196, online at: <http://www.canlii.org/en/qc/qccs/doc/2011/2011qccs196/2011qccs196.html>.

4. Arar v. Syrian Arab Republic, [2005] O. J. No. 752, online at: http://www.canlii.org/eliisa/high-light.do?text=arar&language=en&searchTitle=Ontario&path=/en/on/onsc/do_c/2005/2005canlii4945/2005canlii4945.html.

5. The Alien Tort Statute (ATS), 28 U.S.C. Section 1350.

ندارند.^۱ کمیته در پاسخ به این گزارش در توصیه‌ای بیان داشت که «دولت عضو [کانادا] باید در موضع خود نسبت به ماده ۱۴ کنوانسیون به‌منظور تأمین مقرره‌ای مبنی بر پرداخت غرامت از طریق صلاحیت مدنی برای همه قربانیان شکنجه، تجدیدنظر کند.^۲ بعد از توصیه‌های کمیته به کانادا در سال ۲۰۰۵، این دولت همچنان به رویه خود در مورد ماده ۱۴ ادامه داد. در قضیه آرار علیه سوریه و نیز کاظمی علیه ایران، دولت کانادا به رویه خود در قضیه بوذری ادامه داد. کانادا در ششمین گزارش دوره‌ای در سال ۲۰۱۲ به کمیته، در مورد جبران خسارت قربانیان شکنجه سکوت کرد. کمیته به این سکوت در بررسی گزارش کانادا اشاره می‌کند.^۳

در راستای گزارش دوره‌ای کانادا در سال ۲۰۱۲ ده سازمان غیردولتی کانادایی گزارش خود را به کمیته تقدیم نمودند.^۴ از میان این سازمان‌های غیردولتی، مرکز کانادایی برای دادرسی بین‌المللی^۵ به تفصیل به موضع دولت کانادا در مورد ماده ۱۴ پرداخته است. این سازمان علت اصلی عدم تطابق کانادا با کنوانسیون منع شکنجه را عدم تغییر قانون مصونیت دولت فدرال^۶ مبنی بر عدم گنجانیدن استثنایی بر مصونیت دولت در مورد شکنجه می‌داند. در مورد رویه قضایی نیز این سازمان به بررسی پرونده‌های مطرح شده در این کشور در راستای ماده ۱۴ کنوانسیون پرداخته است. دعوی بوذری علیه جمهوری اسلامی ایران، آرار علیه سوریه، کاظمی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و دو قضیه اخیر را به‌عنوان شاهدهی از عدم توجه دولت به توصیه کمیته به‌دنبال صدور رأی بوذری بوده است.^۷

بعد از توصیه کمیته به کانادا به‌دنبال صدور رأی بوذری، توصیه‌های مشابهی به دیگر دولت‌های عضو معاهده داشته است. در این میان به جمهوری کره، ژاپن، نیوزیلند می‌توان اشاره کرد.^۸

کمیته به‌دنبال گزارش ششم کانادا نیز بیان می‌دارد که «دولت عضو [کانادا] باید اطمینان

1. CAT/C/SR.646/Add.1, 13 May 2005, Para. 64.

2. CAT/C/CR/34/CAN, 7 July 2005, Para. 5(f).

3. CAT/C/SR.1076; 23 May 2012, Para. 37.

4. www2.ohchr.org/english/bodies/cat/cats48.htm.

5. Canadian Center for International Justice.

6. Federal State Immunity Act (SIA), R.S.C. 1985, c. S18 -.

7. *Submission of the Canadian Center for International Justice to the Committee against torture on the examination of the Sixth Periodic Report of Canada*, committee against torture 48th session, 7 May 1 - June 2012, pp. 14 -.

8. Ibid, p.4.

دهد که همه قربانیان شکنجه برای دسترسی به جبران خسارت و گرفتن غرامت در هر جایی که شکنجه رخ دهد و بدون توجه به تابعیت مرتکب یا قربانی قادر هستند. در این رابطه باید اصلاح قانون مصونیت دولت را برای موانع جبران خسارت برای همه قربانیان شکنجه مدنظر داشت.^۱ موضعی که کمیته منع شکنجه به صورت موردی و در پاسخ به گزارش‌های دوره‌ای برخی از کشورها اتخاذ کرده بود تأثیر چندانی بر دولت‌ها بر جای نهد؛ اما کمیته برای بیشتر اثر بخشیدن به نظر خود در این مورد چه کاری می‌توانست انجام دهد؟ صدور نظریات کلی می‌تواند پاسخی مناسب به این امر باشد.

طبق ماده ۱۹ (۳) کنوانسیون منع شکنجه، کمیته می‌تواند نظرهای کلی در خصوص مواد کنوانسیون صادر کند. کمیته منع شکنجه با صدور تفسیر عمومی شماره ۳ در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۲ با عنوان «اجرای ماده ۱۴ کنوانسیون به‌وسیله دولت‌های عضو»^۲ به ابهامات در خصوص این ماده خاتمه داد.

کمیته در پاراگراف ۲۲ این تفسیر عمومی،^۳ ضمن تأیید وجود تعهد «یا محاکمه یا استرداد» در کنوانسیون، اظهار می‌دارد: کمیته می‌پندارد که اعمال ماده ۱۴، به قربانیانی که در سرزمین دولت عضو یا به‌وسیله یا علیه اتباع دولت عضو صدمه دیده‌اند، محدود نمی‌گردد. کمیته تلاش‌های دولت‌های عضو برای فراهم کردن جبران‌های مدنی برای قربانیانی را که در معرض شکنجه یا بدرفتاری در خارج از سرزمین‌شان هستند؛ ستوده است. این امر به‌ویژه هنگامی مهم است که قربانی برای اعمال حقوق تضمین شده خود طبق ماده ۱۴ کنوانسیون در سرزمینی که نقض رخ داده است، ناتوان باشد. در حقیقت ماده ۱۴ همه دولت‌های عضو را به تضمین اینکه همه قربانیان شکنجه و بدرفتاری به‌دسترسی به جبران خسارت و دستیابی به غرامت قادر هستند، ملزم می‌کند.^۴

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، کمیته منع شکنجه برخلاف اظهارات قبلی خود، در این

1. CAT/C/CAN/CO/6, 25 June 2012, p.5.

2. CAT/C/GC/3, 19 November 2012.

3. Ibid, Para.22. "Under the Convention, States parties are required to prosecute or extradite alleged perpetrators of torture when they are found in any territory under its jurisdiction, and to adopt the necessary legislation to make this possible. The Committee considers that the application of article 14 is not limited to victims who were harmed in the territory of the State party or by or against nationals of the State party. The Committee has commended the efforts of States parties for providing civil remedies for victims who were subjected to torture or ill-treatment outside their territory. This is particularly important when a victim is unable to exercise the rights guaranteed under article 14 in the territory where the violation took place. Indeed, article 14 requires States parties to ensure that all victims of torture and ill-treatment are able to access remedy and obtain redress."

4. Ibid, Para, 22.

تفسیر عمومی با صراحت بیشتری از تعهد دولت‌ها به تأمین جبران خسارت برای «همه قربانیان» و عدم محدودیت سرزمینی، سخن به میان آورده است. علاوه بر توجه به عبارت «همه قربانیان» که حاکی از عدم توجه به محدودیت سرزمینی است، استدلال‌های دیگری نیز می‌توان برای اثبات اینکه کمیته اعمال صلاحیت مدنی در قالب صلاحیت جهانی را داشته است، می‌توان ذکر کرد.

کمیته اظهار داشته است که محدوده اجرایی این ماده به سرزمین دولت عضو، تابعیت مجرم و تابعیت قربانی محدود نمی‌گردد. این به این معناست که به ترتیب، در غیاب اصل صلاحیت سرزمینی، صلاحیت تابعیتی فعال، صلاحیت تابعیتی منفعل، مبنای صلاحیتی دیگری را برای قربانی فراهم می‌کند که همان صلاحیت جهانی است. از سوی دیگر در ابتدای همین پاراگراف کمیته پس از بیان اینکه دولت‌ها ملزم به محاکمه یا استرداد متهم شکنجه هستند؛ هنگامی که در سرزمین تحت صلاحیت‌شان یافت می‌شود، هستند؛ بلافاصله به ماده ۱۴ می‌پردازد و از جبران خسارت قربانی بدون محدودیت سرزمینی و دیگر اصول صلاحیتی سخن می‌گوید.

هر چند کمیته به صراحت اصل «محاکمه یا استرداد» را که یک اصل در حوزه حقوق کیفری است؛ در خصوص دعوای مدنی به کار نمی‌برد، ولی به نظر می‌رسد قصد قیاس چنین مفهومی را در مورد دعوای مدنی داشته است. در غیر این صورت به نظر نمی‌رسد که لازم باشد که کمیته قبل از تعیین حوزه صلاحیتی ماده ۱۴ در مورد اصل «یا محاکمه یا استرداد» در خصوص دعوای کیفری است، سخن بگوید. بنابراین کمیته قصد داشته است که ماده ۱۴ کنوانسیون در دعوای مدنی را همتای ماده ۷ کنوانسیون در مورد دعوای کیفری معرفی کند. از سوی دیگر همان‌گونه که پیشتر بیان شد در خصوص اینکه ماده «یا محاکمه یا استرداد» در حقیقت بیان اصل صلاحیت جهانی است، اجماع وجود دارد، می‌توان گفت که این اصل در مورد ماده ۱۴ نیز وجود دارد.

کمیته اظهار می‌دارد که ماده ۱۴ دولت‌ها را به تأمین اینکه همه قربانیان شکنجه‌قادر به دسترسی به جبران خسارت باشند «ملزم می‌کند».^۱ یعنی اعمال صلاحیت مدنی جهانی که در ماده ۱۴ مقرر شده است، حالت اختیاری ندارد، بلکه تعهدی الزام‌آور است.

1. Article 14 “require” states parties to ensure..., Ibid, Para. 22.

تأکید از نویسنده است.

نتیجه‌گیری

ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه به صراحت از اختیار دولت‌ها در اعمال صلاحیت برای فراهم کردن جبران خسارت در خصوص شکنجه‌های ارتکاب یافته در خارج از سرزمین دولت مقرر دادگاه سخن به میان نیاورده است؛ اما ظاهر ماده، باب این تفسیر را نیز نبسته است.

طبق ماده (ب) (۳) ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات (۱۹۶۹) رویه بعدی دولت‌ها در اجرای معاهده، با در نظر گرفتن سیاق به‌مثابه توافقی راجع به تفسیر معاهده است و باید به‌عنوان معنای معاهده محسوب گردد. بنابراین در تفسیر ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه باید به رویه دولت‌ها در اجرای این ماده توجه نمود. آرای هم‌چون جونز، بوذری، آرار، الادسانی، کاظمی همگی نشانگر فقدان تمایل دولت‌ها برای اعمال فراسرزمینی ماده ۱۴ است. رویه دولت‌ها هر چند تاکنون زیاد نبوده است، ولی نشانگر این است که صلاحیت جهانی را در بُعد مدنی اعمال نمی‌کنند، البته رویه‌ای که همیشه مورد اعتراض کمیته منع شکنجه بوده است.

تاریخچه تصویب و کارهای مقدماتی این کنوانسیون نیز نمی‌تواند به رفع این مشکل کمک کند. همچنین اعلامیه تفسیری ایالات متحده در زمان تصویب کنوانسیون و حمایت دولت‌های آلمان و نیوزیلند از این اعلامیه تفسیری نیز هماهنگ با موضعی است که دولت‌ها در رویه دادگاه‌های داخلی در پیش گرفته‌اند.

از سویی دیگر هر چند که ایالات متحده در اعلامیه تفسیری در زمان تصویب کنوانسیون چنین برداشتی از این ماده دارد؛ اما در گزارشی که در سال ۲۰۰۰ به کمیته منع شکنجه تقدیم نمود، ضمن تأیید موضع خود در زمان تصویب بیان داشته است که ایالات متحده، حقوقی فراتر از آنچه که در ماده ۱۴ وجود دارد در قوانین داخلی خود مقرر نموده است که امکان جبران خسارت برای شکنجه‌های خارج از ایالات متحده را نیز فراهم کرده است.^۱

هر چند رکن نظارتی کنوانسیون حقوق بشری به‌مثابه نگهبان این کنوانسیون‌ها، تفاسیر عمومی که ارائه می‌کند ارزش حقوقی و الزام‌آور ندارند و اغلب انتظارات بیشتری در مقایسه با رویه فعلی دولت‌ها دارند؛ دیدگاه‌هایی که تا حد زیادی تعهدات بیشتری نسبت به زمان تصویب معاهده بر عهده دولت‌ها قرار می‌دهد، اما نظرگاه‌های این رکن از اهمیت زیادی برخوردار است و در آینده می‌تواند مبنایی برای اقداماتی با جنبه حقوقی و الزام‌آور باشد. بی‌تردید اعمال صلاحیت جهانی در دادگاه‌های داخلی دولت‌ها امری است که نیاز به

1. CAT/C/28/Add.5, 9 February 2000, Para. 268.

فراهم کردن سازوکارهای حقوق داخلی به‌ویژه اصلاح قوانین مربوط به مصونیت دولت‌ها دارد. مسأله‌ای که نیاز به سپری شدن زمان و بالیدن قواعد مربوط به صلاحیت و کاستن از حدود و ثغور حاکمیت و تضعیف سپر مصونیت دولت‌ها دارد. راهی که با صدور تفسیر عمومی شماره ۳ کمیته منع شکنجه آغاز گردیده است. تفسیری که به تقویت مشروعیت صلاحیت جهانی در بُعد مدنی، کمک خواهد نمود.



Convention against Torture: The Prospect of the Reparation for Victims of Extraterritorial Violations

Niloufar Nazaryani

Indeed it is true that Sovereignities are hypersensitive about their sovereignty acts. Same is for torture, when it done through sovereignty power. This sensitivity has been mitigated through immunity rules. International Court of Justice accepted absolute judicial immunity of states in Jurisdictional Immunities case (Germany v. Italy) on 3 February 2012. Therefore, victims of human rights violations, including prohibition of torture, cannot bring a claim against the violator state in the foreign courts. Now, the question is that, is it possible that a torture victim bring a civil litigation in foreign court without facing immunity obstacle?

This article is intended to prove this hypothesis that at the end of this contention, it wouldn't be an absolute judicial immunity for states, With This argumentation that, the Committee against torture rendered the General Comment No 3 in respect of article 14 of the Convention against torture on 19 November 2012, and requires state parties to provide civil remedies for all of the victims, Regardless of territorial or nationality links.

Keywords: Convention against torture, state immunity, Committee against torture, General Comment, universal civil jurisdiction, interpretative declaration.



Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIII, No. 1

2014-1

- **HUMAN RIGHTS TRAINING FOR BANISHING VIOLENCE**
Reza Estami & Abbas Behroozkhal
- **THE CHALLENGES OF WTO GLOBAL GOVERNANCE ON OIL**
Mohammed Aghaei
- **ENGINEERING HUMAN SPERM CELLS IN THE TRIANGLE OF COMMON HEALTH, DEVELOPMENT AND IDENTITY RIGHTS**
Fatemeh Toof
- **THE LAUNCHING STATE OF SPACE OBJECTS AND EFFECT OF SEALAUNCH PROJECT ON DEVELOPMENT OF ITS CONCEPT**
Homa Khalvandi - Seyed Hadi Mahmoudi
- **REFERENCE OF SOCIAL SECURITY ORGANIZATION TO RESPONSIBLE EMPLOYER IN INJURING TO INSURED EMPLOYEE**
Mehrnood Saber - Nasrin Tabatabaie Hesarie
- **LEGAL RESPONSIBILITY OF THE STATE IN NATURAL DISASTERS**
Zohreh Rahmani
- **CONVENTION AGAINST TORTURE: THE PROSPECT OF THE REPARATION FOR VICTIMS OF EXTRATERRITORIAL VIOLATIONS**
Niloufar Nazaryani
- **SUBSTANTIVE REQUIREMENT OF INNOVATIVE STEP IN THE MIRROR OF ACTS AND RULES: A STANDARD FOR IRAN'S LEGISLATION**
Hamed Najafi & Mahsa Madani
- **IRAN AND THE INTERNATIONAL INSTITUTE FOR THE UNIFICATION OF PRIVATE LAW (UNIDROIT): LOOKING TO THE FUTURE**
Kocesh Jafari
- **INTERVIEW**
With Mr. Jose Angelo Estrella Fiala, Secretary General of UNIDROIT



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study